دیدگاه

«۱»

مقدمه

همکار گرامی آقای دکتر محمودیان با شماره اشتراک ۱۵۷۵۸ مطلبی تحت عنوان «شکست آیین‌نامه داروخانه‌ها» برای نشریه ارسال کرده‌اند که بی‌مناسبت ندیدیم تا در این صفحه به‌عنوان دیدگاه یکی از خوانندگان به چاپ رسانیم. قاعدتاً هر دیدگاهی می‌تواند در مخاطبین انگیزه ایجاد کند تا آن‌ها نیز دیدگاهشان را بیان نمایند و اصولاً نشریه رازی همیشه سعی کرده بازگو کننده نظریات همکاران باشد. ضمن مطالعه دیدگاه همکارمان آقای دکتر محمودیان، چشم به راه اظهارنظر خوانندگان پیرامون این مطلب هستیم.

«سردبیر»

« شکست آیین نامه داروخانه ها ! »

در آبان ماه ۷۸ پس از سال‌ها تاخیر مدارک متقاضیان تاسیس داروخانه در شهر تهران توسط دانشگاه شهید بهشتی جمع‌آوری شد. در اعلامیه شهریور ۷۹ در روزنامه اطلاعات، آن دانشگاه اعلام نمود که تعداد متقاضیان چهار هزار نفر می‌باشند که با توجه به آیین‌نامه عدم صدور مجوز برای غیرداروساز آن دانشگاه می‌باید اعلام می‌کرد فقط هزار و ششصد نفر متقاضی داروساز وجود دارد. تعلل عمدی در بررسی مدراک و اطلاعیه کذب فوق باعث گشت تا سرانجام در اسفند ۷۹ که قیمت پروانه ها به ۴ برابر افزایش یافته بود تعدادی مجوز صادر شود. ذی‌نفوذان در وزارت بهداشت منتظر افزایش قیمت‌ها بودند تا بتوانند مجوز خود را با قیمت های کلان بفروشند. در بهمن ۸۰

آیین نامه داروخانه ها تغییر یافت و نوبت به منفعت طلبی عده‌ای دیگر رسید. امروز پس از گذشت ۴ سال و علی رغم صدور حدود هزار مجوز، قیمت پروانه ها سیر صعودی داشته و به ۷ برابر قیمت اولیه رسیده است. از طرفی مجوزها و پروانه ها هم چنان به صورت محضری خرید و فروش شد و شمار مجوزهای اجاره‌ای برخلاف قانون افزایش یافت. از سویی داروسازانی که طرح ها و تعهدات خدمتی را در شهرهای ۳۰ و ۴۵ امتیازی گذرانده بودند براساس قانون وقت، امتیاز لازم برای کسب مجوز یا خرید داروخانه نداشتند و در بلاتکلیفی ماندند. فارغ التحصیلان جدید جهت کسب امتیاز به مناطق محروم رفتند و اکنون به شهر خود بازگشتند و شهرهای بینابینی خالی از داروساز ماند. داروخانه داران بومی مناطق محروم با حفظ داروخانهٔ خود در شهرهای بزرگ تر مجوز مجدد گرفتند و به شهرهای بزرگ تر رفتند.

به‌درستی ثمره آیین نامه جدید چه بود؟ افزایش قیمت پروانه ها، خرید و فروش محضری مجوزها، اجاره مجوزها، خالی بودن شهرهای بینابینی از داروساز، افزایش نامتعارف داروخانه در شهرهای بزرگ، مشکلات نقل و انتقال سرمایه داروخانه، پایمال شدن حق داروسازان میان سال که دیگر توان بازگشت مجدد به مناطق محروم و گذراندن مجدد طرح و دوری از شهر بومی را نداشتند و استثمار آنان توسط دیگر داروسازان!!، تعلل در بررسی مدارک متقاضیان به طوری که مثلاً دانشگاه تهران حدود ۲/۵ سال است که مدارک متقاضیان داروخانه در اسلام شهر را جمع آوری کرده ولی هنوز مجوزی صادر نشده که این امر به افزایش قیمت پروانه ها منجر شده است. با تغییر وزیر بهداشت و با افزایش اختیارات نظام پزشکی امید می رود ضوابط عادلانه ای تعیین شود.

باید ظرفیت دانشگاه ها را کم نمود و به هر داروسازی در روز فارغ التحصیلی در شهر بومی مجوز تاسیس داروخانه داد و مشکل سرمایه را به خود او واگذار کرد نه به سرمایه داران. برای تامین داروخانه (نه داروساز) در شهرهای دوردست باید ضوابط تشویقی نه اجباری مانند وام، معافیت از مالیات، سود بیشتر دارو و افزایش مارژین داروخانه در مناطق محروم تعیین نمود. به داروسازانی که به هر علتی همچون کهولت سن، راحت طلبی سفر به خارج، چندشغلی بودن و ... از کمبود داروساز مسئول فنی می نالند باید گفت که لزومی ندارد که شما هم داروخانه داشته باشید. باید بخش خصوصی را از بخش دولتی جدا نمود تا کارمندان وزارت بهداشت رانت خواری نکنند به‌عبارتی به داروسازان شاغل در بهداری نباید مجوز داروخانه داد.

حالا کمی از قانون بگوییم. منع تاسیس و یا خرید داروخانه در محل دلخواه برای داروسازان در واقع نوعی اعمال محدودیت در آزادی های فردی و مغایر با اصول ۲۸ و ۳۳ قانون اساسی است. به استناد ماده ۳ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی هر کس پروانه خود را به هر شکل اعم از اجاره در اختیار دیگری قرار دهد پروانه او می باید باطل شود. قوانینی که به نفع ذی نفوذان در وزارت بهداشت نیست و هیچ وقت اجرا نشده است.